

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literay-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

ششم نومبر ۲۰۱۳

قرعه فال، یا قرعه کار؟؟

گرچه این مطلب را گرانقدر عزیزم خلیل جان معروفی، با تسلط کاملی که در ادبیات دری دارند، در مضمون جامع و کامل امروزی، پنجم نومبر ۲۰۱۳ پورتال محبوب همه، در هفت صفحه، بخوبی تحلیل و تشریح کرده اند، خواستم من نیز سهم و نظر مختصری ارائه کنم. دوست گرانقدر و باوقارم، شاعر شیرین سخن، جناب تیمورشاه تیموری، که در سرودن شعر، ید طولی دارند، مطالب جاندار و دقیقی هم در نثر مینویسند، که خواننده را مصروف میسازد. از جمله در نوشته اخیر، انتشار یافته تاریخ ۳۰ اکتوبر ۲۰۱۳ در سایت وزین و محبوب "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به عنوان «قابل توجه دوستداران شعر حافظ»، در مورد بیتی از شعر حضرت حافظ که میفرماید:

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه فال به نام من دیوانه زدند

سؤالی دارند که در مصراع دوم این بیت آیا «قرعه فال» صحت دارد و یا «قرعه کار» که به قول شان کلمه "کار"، نامأنوس به نظر میرسد، چه یکی از دوستان در جایی، این مصراع را «قرعه کار به نام من دیوانه زدند» اشاعه نموده اند.

این یک واقعیت مبرهن است که شعر و نام حافظ شیرازی، در ممالک دری زبان آسیای میانه و حتی در قاره هند تا بنگال، شهرت و محبوبیت خاص داشته و دارد. ما همه به یاد داریم که در سرزمین محبوب ما افغانستان، دیوان حافظ در زمره کتب متبرکه با پوشهای ابریشمین، در

منازل نگهداری و با بوسیدن و یک الحمد و سه قل هو الله خواندن، بر آن تفأل زده میشد. علاوهً خانواده ها اطفال خردسال خود را قبل از شمول به مکتب، بغرض آموختن مبانی کلام در مسجد گذر، نزد ملای مسجد، به شاگردی می‌گذاشتند که این آموزش با قاعدهٔ بغدادی شروع شده و با خواندن دیوان حافظ و گلستان سعدی ادامه پیدا میکرد و قراری که دیده میشود اکنون هم نزد عوام، این شیوه مشهور و متداول است. حتی در همین اروپا و امریکا نیز، خانه ها با دواوین حافظ و سعدی مزین است و هنگام مشکلات، بعضاً در دیوان حافظ فال دیده میشود.

در زمرهٔ محرومیت‌های متعدد مادی و معنوی که ما در کشور خود داشتیم، یکی هم عدم دسترس به کتب و رسایل ادبی، تاریخی، سیاسی، تخریکی حتی دینی و مذهبی مورد نیاز مردم بود، که در گذشته های دور، اکثر این کتب در مطابع هندوستان، تحت حمایت انگلستان به طبع میرسید که از نگاه کمیت چشمگیر، اما از نگاه کیفیت، دارای نواقص و اغلاط طباعتی، املائی و انشائی نیز بود و ما چنین کتابها را از بازار معروف کتابفروشی کابل نازنین بدست می آوردیم و رفع عطش میکردیم. درین کتب مطبوعه در مطابع لکنهو، حیدرآباد و بازار قصه خوانی پشاور، کتابهای مورد نیاز از جمله دیوان حافظ و دیگر شعراء، به کثرت دستیاب شده و مردم از آنها مستفید و مستفیض میشدند. در آن دواوین، این مصراع شعر حضرت حافظ "قرعه فال" آمده و در حافظهٔ مردم حک شده است. علاقه مندی مردم به روحانیت حافظ به حدی بود که او را لسان الغیب میخواندند و با تفأل، اشعارش را گرهگشای کار خود میشمردند. مطالعهٔ مکرر اشعار حافظ، مغزها را چنان آماده ساخته بود که بیشتر غزلها را حفظ و بعضاً بشکل "مدعا مثل" در گفتار استعمال میکردند. از جمله همین مصراع "قرعه فال"، بیشتر در صحبتها به زبان جاری میگردد. بعدها در طبع کتب در ایران که تحت نظر دانشمندان زبان صورت میگرفت، توجه بیشتر مبذول گردید، تا نواقص طباعتی کمتر و حتی بکلی رفع گردد، چنانچه مجموعهٔ اشعار حضرت حافظ که با تصحیح و تتبع و تعلیقات، علامه محمد قزوینی و دکتور قاسم غنی از منابع موثق انتشار یافته است، نه تنها چنین تغییراتی ظاهر شده است، که بعضی غزلیات معروف دیگر، مانند شعر معروف:

این چه شوری ست که در دور قمر میبینم

همه آفاق پر از فتنه و شر میبینم

که در بین مردم خلیها متداول بود، حذف و "قرعه فال" هم به "قرعه کار" چهره بدل کرده است. قسمی که جناب تیموری صاحب فرموده اند، برای کسانی که در ذهن شان قرعه فال جا گرفته است، قرعه کار، نامانوس جلوه میکند. و از طرفی هم، به عقیدهٔ این کمینه از آنجا که در

بین کلمات "قرعه" و "فال" که همان استخاره، اخترشماری، فال نیک زدن، پیشگوئی بخت و طالع، سهم و نصیب کسی را تعیین کردن، تناسب و تلازم لفظی وجود دارد، «قرعه فال»، مناسبتر، موزونتر و خوش آهنگتر به نظر میرسد. این بود نظر عاجزانه من، تا بزرگواران چه فرمایند. والسلام